

جمعه 07 جون 2019

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی
نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی
مترجم: فریده نوری

قسمت هفتم

دیدي ای دل که خزان با گل و گلزار چه کرد
تیغ طوفان بلا با گل بی خار چه کرد
شعله شمع به آرامی و مظلومی سوخت
داغ آن بر دل پروانه بی یار چه کرد



بوجود آمدن اعتراضات مسلحانه در مناطق پشتون (سرحدات)

جنگ اول افغان و انگلیس:

بعد از سال های 1860 میلادی پیشروی روس ها به طرف آسیای مرکزی، انگلیس ها را وادار
برای روی کار آوردن یک سیاست پیشروی (forward policy)، بعد از به اقتدار رسیدن

دیسرائیلی (Disraeli) به صدارت، که بیشتر به یک سیاست ستیزه جویانه و تهاجمی در برابر کابل پرداخت.

به قرار نوشته های اولسن استه (Olesen Asta) «هدف و منظور از سیاست پیشروی انگلیس ها این بود که مانع از بُرد و پیشرفت روس ها در آسیای میانه، و متضمن یک (سرحد علمی (frontière scientifique) سرحد مستدل و معقول برای هندوستان و افغانستان را تحت کنترل، نظارت و مراقبت شدید داشته باشند».

یک موافقه بالای قلمرو بین روسیه و انگلستان منعقد گردید. هر دو طرف متعهد شدند که فرا تر از دریای آمو نروند و افغانستان نقش یک منطقه حائل (Etat tampon) را بین دو استعمارگر روسیه و انگلستان بازی نماید.

اولسن استه (Olesen Asta): «مسابقه برای تسخیر قلمرو، جایش را برای رقابت های سیاسی و دیپلماتیک داد».

در سنه 1878 میلادی یک هیئت تجارتي روسی بدون دعوت شدن از آن ها به کابل آمد، در عین زمان معاون پادشاه هند (Vice – Roi des Indes) لارڈ لایتون (Lord Lytton) از پادشاه افغانستان، امیر شیر علی خان تقاضای پذیرایی از یک هیئت برتانیوی را نمود، لکن بدون جواب باقی ماند.

روس ها تقاضای امضای یک معاهده کمک و همکاری دو جانبه را در صورت یک درگیری و کشمکش بین روسیه و ترکیه عثمانی که از حمایت انگلیس مستفید بود، نمودند. تقاضای مذاکره از جانب انگلیس، برای داشتن موافقه که برایش اجازه دادن نفوذ دائمی بالای افغانستان و مخصوصاً سیاست خارجی آن را بدهد، که آن را بعد از جنگ دوم افغان و انگلیس به دست آوردند.

انگلیس ها سه مراتبه به قندهار و کابل حمله نمودند، امیر به طرف شمال کشور فرار کرد به امید این که بتواند از کمک روس ها مستفید گردد. نواسه خود امیر محمد یعقوب خان را در کابل به جای خود گذاشت، که این آخری در اثر فشار با نماینده سیاسی انگلیس سر لویی کیونیری (Sir Louis Cavangnari) مجبور به امضای معاهده گندمک در سال 1879 گردید. این معاهده سبب تحمیل نمودن یک هیئت دایمی انگلیس در کابل تحت حمایت امیر افغانستان و هم چنان داشتن کنترل بالای سیاست خارجی افغانستان و الحاق دره کُرم (Kouram) و کوتل خیبر توسط انگلیس ها، در مقابل امیر سالانه کمک مادی از طرف آن ها دریافت می کرد.

به تاریخ سه سپتامبر 1879 میلادی در قشلهٔ عسکری هرات نظر به افتادن تأخیر در معاشات شان شورش بر پا گردید، به تعقیب آن در کابل نظامیان افغان به بالاحصار کابل، که در آن جا نمایندهٔ انگلیس سر لویی کیوناری اقامت داشت حمله کرده و وی را با یک تعداد دیگر نظامیان انگلیس به قتل رساندند.

بعداً لشکریان جنرال فریدریک روبرت (Général Frederick Roberts) در کابل برای گرفتن انتقام اقدام نظامی به تاریخ 18 اکتوبر 1879 میلادی نمودند. امیر محمد یعقوب خان از سلطنت کناره گیری نموده به هند پناهنده شد. در مرحلهٔ اول، بسیج شدن طرفداران ملا ای متنفذ خواجه نظیر در چهار آسیاب در جنوب کابل تجمع نمودند، در یکی از پیکار ها خانم ها نیز در بین جنگجویان شامل بودند.

عالمان مذهبی در غزنی با سخنرانی ها علیه انگلیس ها در مساجد سبب تحریک اهالی شدند و آن ها را به مبارزه طلبیدند، و سبب شکست انگلیس ها و گرفتن کوهستان در شمال کابل و بعداً کابل گردیدند. به این ترتیب از ضعف اقتدار سیاسی، مذهبیون مستفید و مقاومت مسلحانه را به عین نمونهٔ جنگ اول افغان و انگلیس به دوش گرفتند.

دقیقاً در شروع برانگیختن جنگ دوم افغان انگلیس هوتک ها و توحی ها در یک ائتلاف با غزالی ها، بر علیه اقدام گرفتن مالیه توسط امیر شیر علی خان اغتشاش و شورش نمودند. به این ترتیب بسیج نمودن اهالی توسط شخصیت های مذهبی با اتکاء بالای نا رضایتی خلق شده توسط دربار، سبب یک جا شدن سران قبایل با آن ها گردید، عیناً مانند جنگ اول افغان و انگلیس.

در این مرحلهٔ دوم اغتشاش مسلحانه یک شخصیت بزرگ دیگر زیر نام ملا دین محمد مشهور به ملا مشک عالم (1790 - 1886) عرض اندام نمود وی مدیر یک مدرسه در ولسوالی اندر ولایت غزنی بود و شاگردان زیادی از ولایات لوگر، وردک، غزنی، زابل و بعضی ولسوالی های ننگرهار داشت، وی به تاریخ دوم دسامبر جهاد را در غزنی اعلان و روانهٔ کابل گردید. جنرال محمد جان لوگری، ملا عبدالغفور لنگری، میر بچه کوهستانی و آخند زاده میر عثمان تگاووی وی را همراهی می کردند.

نوید:

«به نام موسی جان ولیعهد شهزاده مشک عالم رهبری قوای افغان را در کابل به عهده دارد. در دوازده بجه شب 23 دسامبر، شبی که فردای آن روز مقدس عاشورا بود، مشک عالم در بالای بلندی تپهٔ آسمایی بالا شده و با روشن نمودن شعله های آتش به قطعات مختلف اطلاع رسانید که

برای حمله به شیرپور خود را آماده سازند. این حمله انگلیس ها را مجبور به عقب نشینی نمود، مگر جنرال روبرت دوباره کنترل کابل را به دست گرفت.

هووارد هنسمن (Howard Hensman) که لشکر برتانیوی را به حیث خبرنگار اخبار پیونیر (The Pioneer) که در هند نشر می شد و دیلی نیوز (Daily News) که در لندن نشر می شد همراهی می کرد، در اخبار خود می نویسد: تمام مردان که دارای سن مناسب بوده و قدرت مقابله را داشتند در شمال - شرق افغانستان در زیر بیرق ملا مشک عالم جمع گردیدند، دوام موفقیت جهاد مربوط به رسیدن کمک زیاد مردم که از ولایات ترکستان و بدخشان و ولسوالی شتر گردن به کابل آمدند، می باشد».

در فبروری 1880 میلادی تحرک و بسیج شدن، بزرگ و بزرگ تر گردیده و مانع پیشروی جنرال دونالد ستیوارد (Général Donald Steward) در کابل گردید. انگلیس ها تصمیم به عقب نشینی گرفتند و منتظر انتصاب یک فرمانروا، که بتوانند همایش تصمیم به تنظیم نمودن پایان کشمکش بگیرند، بودند.

امیر عبد الرحمن خان پسر امیر محمد افضل خان و برادرزاده امیر شیر علی خان به تاریخ 20 جولای 1880 از بخارا داخل کشور گردیده و به تعقیب آن توسط یک لویه جرگه پر از سر و صدا که در آن ملا مشک عالم و طرفداران پسران امیر شیر علی خان اشتراک داشتند و همچنان این جرگه رهبران قبایل و ملا های معترض را نیز جمع کرده بود.

انگلیس ها قندهار را در سال 1881 میلادی تخلیه نمودند، معاهده گندمک باعث تجدید و بلند بردن کمک مالی قابل ملاحظه گردید.

هئیت های از نمایندگان روس و انگلیس برای مشخص ساختن سرحدات تشکیل گردید:

در سال 1884 سرحد شمال - غرب، در سال 1888 سرحد شمال، آمو دریا، در سال 1893 خط دیورند و در سال 1896 پامیر.

افغانستان مجبور به صرف نظر نمودن از مناطق ذیل گردید، و این مناطق، صوت، باجور، چترال، یک قسمت بزرگ وزیرستان، قلمرو قبایلی خاک مهند، افریدی، شینواری، یوسفزایی، کاکر و وزیر بین افغانستان و هند برتانیوی تقسیم گردید.

نتایج هر دو جنگ از نظر اقتصادی بسیار اسفناک و سبب ورشکستگی اقتصادی مخصوصاً در شهر ها گردید.

برعلاوه نتیجه این سال های جنگ یک دلیل مهم و برازنده بلند رفتن اهمیت رهبران مذهبی گردیده که با برقرار نمودن ارتباطات با سران قبایل، خود را در دوران سلطنت امیر عبدالرحمن خان به حیث بازیگران پلان اول، با اعتراض نمودن به اقتدار دولتی، تحمیل نمودند. به این ترتیب به تغییر شکل دادن طبیعت و ماهیت روابط دولت - جامعه سهم گرفتند، و مفهوم جهاد به صفت یک عنصر مرکزی در زندگی سیاسی افغانستان داخل می شود.

ادامه دارد